



نقد کتاب گزیده اسناد، فرمان‌ها و رقم‌های آستان قدس رضوی از دوره صفویه تا قاجاریه

رضا فراستی*

کتاب گزیده اسناد، فرمان‌ها و رقم‌های آستان قدس رضوی از دوره صفویه تا قاجاریه را به کوشش ربانۀ معتقدی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، در سال ۱۳۸۷ در ۱۸۶ صفحه به چاپ رسانیده است.

کتاب، با سخن ناشر آغاز شده و بعد با مقدمه، فهرست مندرجات، متن اسناد، نمونه تصاویری از اسناد، کتابشناسی و نمایه‌ها، ادامه می‌یابد. متن کتاب - که همان متن اسناد است - شامل ۵۶ فرمان و رقم از شاهان و شاهزادگان ایران از دوره صفوی تا قاجار، ۱۲ سند غیر از فرمان و رقم مذکور و دو سند مربوط به احمدخان ابدالی، ملقب به احمدشاه درانی است. چارچوب متن کتاب، شامل شماره ردیف سند در کتاب، فهرست آن، تحمیدیه، سجع مهر، متن اصلی، حاشیه و ظهر، می‌باشد.

به طور کلی، انتشار سند امری بسیار پسندیده و نیکوست؛ زیرا به کاربران و جویندگان اطلاعات کمک می‌کند تا نسبت به تکمیل تحقیقات اقدام کنند و به

پژوهش‌های خود عمق ببخشند. نیز در اثر آن، با تحلیل علمی در روشنگری موارد تاریخی موفقیت بیشتری به دست خواهد آمد. برای سازمان‌هایی که دارای اسناد تاریخی می‌باشند، این اقدام نه تنها اعتبار سازمانی را ارتقا می‌بخشد، بلکه باعث دلگرمی کسانی است که پیوسته در پشت صحنه سرگرم آماده‌سازی اسناد برای استفاده کاربران هستند اما بی‌نام و نشان‌اند.

چاپ اسناد تاریخی، به نسبت قدمت آن‌ها کاری بس دشوار است. هرچه اسناد قدیمی‌تر باشند، به دلایل بعضاً نگهداری نادرست در گذشته و در نتیجه، آسیب‌های سازه‌ای و زیست محیطی وارد شده به آن‌ها، عمر محدود کاغذ، نامرغوبیت مصالح به کار رفته در نوشته یا تذهیب آن، کم‌آشنائی عمومی نسل جوان با ادبیات گذشته و...، استنساخ و خواندن آن‌ها مشکل‌تر خواهد بود.

با وجود همه دشواری‌ها، بابت هر سند تاریخی که

به چاپ می‌رسد، باور نگارنده این است که دست همه دست‌اندرکاران را باید بوسید. زیرا کاری بس مشکل را به انجام رسانده‌اند و از دسترنج آنان است که محققان بهره‌های فراوان می‌برند.

کتاب ارزشمند یاد شده، به‌تازگی به مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران تحویل شد. با بررسی آن، اشکالاتی به نظر نگارنده رسید که به شرح زیر بیان می‌شود. امید آن‌که مورد توجه مسئولان امر قرار گیرد تا در چاپ بعدی، اصلاحات پیشنهادی را اعمال نمایند.

تناقض در به کار بردن عنوان

در پشت صفحه عنوان و فهرست برگه چاپ شده در همین صفحه، عنوان کتاب «فرمان‌ها و رقم‌های آستان قدس رضوی از دوره صفویه تا قاجاریه» نوشته شده و در روی جلد و صفحه عنوان، عبارت «گزیده اسناد» به ابتدای آن افزوده شده است.

برای درک عنوان صحیح، به توضیحات «سخن ناشر»، «مقدمه» و متن مراجعه شد و به آن‌ها اشاره می‌شود. در بخش سخن ناشر آمده است: «کتاب حاضر، دربرگیرنده تعدادی از فرمان‌ها و رقم‌های شاهان و شاهزادگان دوره صفویه، افشاریه و قاجاریه، درخصوص املاک وقفی آستان قدس می‌باشد ...»

در مقدمه و زیرنویس آن (صفحه ۷)، چنین آمده است: «این مجموعه - که متشکل از فرمان‌ها و رقم‌های شاهان و شاهزادگان ایران در ادوار گذشته (از صفویه تا قاجار) ... می‌باشد - به شماره اموالی ۴۴۷۷۸، به صورت مجلد در مخزن اسناد موجود است.»

در متن کتاب در زیرنویس صفحات ۱۷ و ۴۹، راجع به اصطلاحات فرمان و رقم، به نقل از کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، مطالبی بدین شرح نوشته شده است:

فرمان: به مفهوم کلی و لغوی‌اش، دستور و حکم پادشاه باشد و به کلیه اقسام دیوانیات که حاکی از امر و دستورات پادشاهان بوده و به مهر و طغرای آن‌ها می‌رسیده، اطلاق می‌شده است.

رقم: در دوره قاجاریه، به احکام و دستورات و خطاب‌هایی اطلاق می‌گردید که از جانب ولیعهد و شاهزادگان بزرگ صدور می‌یافت. (۱۳۵۰، صص ۴۴ و ۷۸)

در توضیح سخن ناشر، از به کار بردن کلمه «تعداد»، مفهوم گزیده را می‌توان فهمید. اما راجع به اسناد غیرفرمان و رقم که از جمله در صفحات ۸۵ و ۸۸ صادر از سوی محمدحسن خان سالار، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۴ میرزا آقاخان نوری، ۱۳۹ و ۱۴۱ نظام‌العلماء، و ۱۴۰ مشیرالدوله آمده و با تعاریف مذکور منافات دارد، توضیحی نیامده است. از طرفی، شایسته بود راجع به دو سند احمدخان ابدالی ملقب به احمدشاه درانی از سرداران نادرشاه نیز - که اسنادش در ردیف فرمان و رقم نیست - توضیحاتی داده می‌شد. در مجموع بنابر تعاریف مذکور، نمی‌توان احکام صادر کرده حاکمان خراسان را فرمان یا رقم قلمداد کرد.

از توضیحات مقدمه، استنباط می‌شود که مجموعه حاضر، کلیه فرمان‌ها و رقم‌های موجود در آستان قدس رضوی است و بعلاوه، هر دو اشکال توضیح «سخن ناشر» را نیز دربردارد.

با توجه به توضیحات مذکور، می‌توان نوشت که عنوان کتاب، «گزیده اسناد، فرمان‌ها و رقم‌های آستان قدس رضوی از دوره صفویه تا قاجاریه» است. یعنی همان مطلبی که در صفحه عنوان آمده.

مقدمه

در بند نخست صفحه ۸ آمده: «در خواندن سجع مهرهای این فرمان‌ها و رقم‌ها نیز، نکات تازه‌ای نسبت به آنچه تاکنون در این باره نوشته شده، مشاهده گردیده که آن، دو مهر از شاه سلیمان صفوی و احمدشاه قاجار است که تاکنون در مجموعه مقالات و کتبی که درباره اسناد تاریخی و مهرها و سجع مهرها منتشر گشته، لحاظ نگردیده ...» و در ادامه، تعداد مهرهای احمدشاه قاجار را سه نمونه ذکر کرده است. در مورد مهرهای احمدشاه قاجار، توجه کوششگر محترم را به مقاله «مهرهای شاهان قاجاریه»^۱ جلب می‌نماید. در آن مقاله، جمعاً تعداد ۱۸ مهر

و سربرگ و کارت از زمان ولیعهدی تا پادشاهی احمدشاه قاجار معرفی شده که مهر مذکور مورد ادعا، از جمله آن مهرهاست.

فهرست اسناد به جای فهرست مندرجات

در صفحه ۱۶ در ادامه فهرست اسناد، عناوین «تصاویر اسناد»، «کتابشناسی» و «نمایه‌ها» آمده است؛ از این رو نام این قسمت، فهرست مندرجات است که فهرست اسناد، بخشی از آن می‌باشد و جا داشت در صفحه ۱۱ به جای فهرست اسناد، فهرست مندرجات با تقسیم‌بندی:

- فهرست اسناد
- تصاویر اسناد
- کتابشناسی
- نمایه‌ها

می‌آمد و در صفحه فهرست اسناد، اطلاعات هر سند ذکر می‌شد.

جداسازی متن

از نظر شکل و ظاهر، متن اصلی کتاب، می‌بایست از صفحات قبل از آن با یک صفحه مثلاً تحت عنوان «متن اسناد»، به منظور معرفی بهتر جدا می‌شد، مثل صفحه نمایه‌ها.

اشتباه در تقدم تاریخی

اساس تنظیم متن برحسب تاریخ است، اما مشاهده شد که سند شماره ۳۳ صفحه ۸۸ - که تاریخ آن ۱۲۵۴ق. است - به اشتباه بعد از سند شماره ۳۲ صفحه ۸۶ - که تاریخ آن ۱۲۶۸ق. می‌باشد - قرار گرفته. یا سند شماره ۵۹ صفحه ۱۲۹ به تاریخ ۱۲۷۶ق.، پس از سند شماره ۵۷ صفحه ۱۲۶ - که به تاریخ ۱۲۷۹ق. می‌باشد - آمده است.

زیرنویس‌ها

برای پاره‌ای از اسناد، توضیحاتی به صورت زیرنویس در

پائین صفحات آورده شده است. در انتخاب محل شماره زیرنویس، یک‌دستی وجود ندارد. گاهی شماره پانویس در قسمت متن اصلی سند مثل صفحه ۱۳ راجع به محمدقلی میرزا ملک‌آرا، بعضاً در قسمت سجع مهر مثل صفحه ۷۰ مربوط به حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه، یا در قسمت فهرست مثل صفحه ۸۲ راجع به محمدحسن خان سالار آمده است.

سرگذشتنامه بعضی از شاهزادگان مثل محمدتقی میرزا ملک‌آرا، به صورت زیرنویس در صفحه ۴۲ آمده، اما برای دیگران از جمله هلاکومیرزا صفحه ۸۰، سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه صفحه ۱۰۱، فریدون میرزا صفحه ۱۰۶، احمدعلی میرزا صفحه ۳۹ و دیگران سرگذشتنامه نوشته نشده است. ملاک برای نوشتن مطالب، چه بوده است؟

در زیرنویس صفحه ۷۸ به نقل از کتاب رجال بامداد، (بامداد، ۱۳۷۱، ص ۴۹۶) از علی‌نقی میرزا بن فتحعلی شاه ملقب به حجت‌السلطان، به عنوان استاندار خراسان یاد کرده؛ در صورتی که در ادبیات آن زمان، خراسان استان نبوده و مهدی بامداد در مطلب خود از حکومت یا ایالت خراسان نام برده است.

در زیرنویس صفحه ۱۳۴، به نظر ناخوانا بودن مهر سند به علت ترمیم نادرست در گذشته است. باید دانست که امروزه در مرمت اسناد از کاغذ تیشو استفاده می‌شود و برای رعایت آئین مرمت، حتا کاغذ تیشوی روی نوشته‌ها را طراحی می‌کنند و برش می‌دهند تا مطالب خوانده شوند.

در زیرنویس سند شماره ۶۹ صفحه ۱۴۶، توضیح مهر چاپی احمدشاه آمده؛ در صورتی که آن مهر مربوط به سند بعدی یعنی سند شماره ۷۰ صفحه ۱۴۷ می‌باشد.

فهرست اسناد

شماری از اسناد، سواد می‌باشند. در فهرست بعضی از اسناد مثل صفحه ۱۱۱ نوشته شده که سواد سند ... و در تعدادی دیگر مثل اسناد صفحات ۱۰۲، ۱۲۷ و ۱۳۰ - که



سواد می‌باشند - کلمه مذکور دیده نمی‌شود.

در فهرست سند شماره ۶۲ صفحه ۱۳۴ نام مسعود میرزا ظل‌السلطان به اشتباه، عبدالحسین میرزا ظل‌السلطان آمده است.

تحمیدیه

به نظر، تحمیدیه سند شماره ۱۳ صفحه ۴۲ «بسم‌الله تعالی شأنه العزیز» است که در این جا کلمه «شأنه» جا افتاده است.

مهرها

یکی از راه‌های شناخت و تمیز انواع مهرها، شکل آن‌هاست. گاهی یک سجع در دو مهر و با دو شکل یافت می‌شود. از این رو توصیه می‌شود که شکل مهر نوشته شود، مثل مربع، مربع کلاهکدار و... .

در قرائت سجع پاره‌ای از مهرهای شاهان و شاهزادگان لغزش‌هایی رخ داده، مانند صفحه ۷۰ «تابنده در در مخزن شاهی حسنعلی» که کلمه «در» آن اضافی است؛ یا در صفحه ۹۵ «الملک‌الله تعالی + تا که دست ناصرالدین شاه خاتم شاهی گرفت صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت».

در مصرع اول مهر مذکور، کلمه «شاه» اضافی است. آن مهر در صفحات ۸۶ و ۹۰ کتاب صحیح خوانده شده.

توحیدیه مهر محمدشاه در صفحه ۵۶ «الغره‌الله» (فراستی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۲) است نه «الغره‌الله»!

چون تصاویر همه اسناد در کتاب موجود نیست، باتوجه به اطلاعات قبلی (فراستی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۱)، چنانچه مهر محمدشاه - که در صفحه ۶۲ آمده - مهری جدید نباشد، سجع آن چنین خوانده می‌شود: هوالعلی‌الغالب + السلطان ابن السلطان محمدشاه غازی ۱۲۵۳!

طغرا

طغرای عمومی شاهان قاجار از فتحعلی شاه به بعد - که به شکل تیر و کمان با آب زرد در ابتدای سطر اول

تعدادی از فرمان‌ها کشیده می‌شد - چنین است: «الملک‌الله تعالی حکم همایون شد» (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۱۹۶) مثل صفحه ۵۲. از این رو طغرای خوانده شده در صفحات ۵۵، ۵۹، و ۶۳ با مضمون «الملک‌الله تعالی شأنه حکم همایون شد»، به نظر نادرست است.

استنساخ

همان طور که قبلاً نوشته شد، چون تصاویر همه اسناد در کتاب وجود ندارد، از این رو نمی‌توان درباره استنساخ متن اظهار نظر کرد. اما برخی موارد را می‌توان به قرینه یا مفهوم حدس زد، مثل صفحه ۹۷ که به نظر می‌رسد مقربى الخاقانان است نه مقرالخاقان. زیرا خطاب‌های نوشته شده همگی جمع و عمومی می‌باشند، یعنی عالیجاهان، مقربى الخاقانان، عموم حکام و... .

حاشیه

در مورد به کار بردن کلمه «حاشیه»، نایکدست عمل شده است؛ به طور مثال «حاشیه» در صفحه ۵۶، «تحشیه» در صفحه ۹۶ و «حاشیه سند» در صفحه ۱۱۱.

مهم است که مکان حاشیه‌نویسی مثلاً سمت چپ، راست، بالا یا پائین نوشته شود. در صفحه ۱۱۶ به درستی نوشته شده «حاشیه سمت چپ بین خط دوم و سوم»؛ در صورتی که در صفحه ۱۲۴ فقط آمده است: «حاشیه».

توشیح یا امضا

بدعتی که در دوره قاجاریان (از زمان محمدشاه) رسم گردید. توشیح فرمان‌ها و مکاتیب رسمی بود. به این معنی که پس از آن که فرمان یا نامه‌ای نوشته می‌شد و مراحل مهرگذاری و طغراکشی آن انجام می‌گرفت، می‌بایست آن را به «توشیح» پادشاه می‌رسانیدند. برای این منظور، پادشاه به خط خود بر حاشیه نامه یا فرمان می‌نوشت: «صحیح است» و بدین‌گونه، بر مندرجات آن نوشته صحه می‌گذاشت و همین رسم بود که بعدها رفته‌رفته به صورت «امضا» درآمد. (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰،

ص ۲۲۰)

در صفحات ۹۶، ۹۷ و ۹۹، ناصرالدین شاه فرمان‌ها را فقط «توشیح» یا امضا کرده است. از این رو در اسناد مذکور میان «توشیح» و «حاشیه» خلط شده. همچنین است صفحه ۱۴۵ که فرمان به امضای احمدشاه قاجار می‌باشد. ضمناً در دوره احمدشاه قاجار، هنگامی که شاه در ایران نبود، فرمان‌ها به امضای محمدحسن میرزا ولیعهد و در نبود هر دو، به امضای حسینعلی میرزا اعتضادالسلطنه (برادر بزرگ احمدشاه) می‌رسیده است. ولیعهد و حسینعلی میرزا، هر دو فرمان‌ها را با ذکر عبارت «از طرف قرین‌الشرف مبارک ملوکانه - روحنا فداه -» امضا می‌کردند، مثل صفحه ۱۴۶.

ضمیمه

پس از اتمام متن کتاب، تعداد ۱۵ تصویر از شماره یک تا ۱۵، در بخشی که فاقد کلمه «ضمیمه» است، آورده شده و در زیر هر تصویر، توضیح آن آمده است. نکته، آن است که هرچند مطالب مربوط به تصاویر مذکور در متن کتاب آمده، ولی رابطه صحیحی میان شماره زیرنوشت‌ها در این بخش با متن کتاب وجود ندارد؛ یعنی تصویر شماره ۱۰، سند شماره ۱۰ نیست. شایسته بود شماره ردیف سند در متن کتاب، در زیر هر یک نوشته می‌شد تا به آسانی بتوان به آن دسترسی یافت.

نمایه‌ها

نمایه‌های پایانی کتاب شامل اشخاص، اصطلاحات و اماکن است که در زیر، به کاستی‌های آن‌ها اشاره می‌شود. قبل از بررسی اشکالات، باید دانست که هدف اصلی از نمایه‌های پایانی کتاب‌ها، بازیابی سریع و کامل مطالب است.

نمایه اشخاص

در این قسمت، در تنظیم اطلاعات براساس لقب یا نام

اشخاص تناقض وجود دارد، مثل سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه - که نام کاملش نوشته نشده - در حرف «ح» و ذیل لقبش یعنی حسام‌السلطنه قابل بازیابی است و علی‌نقی میرزا رکن‌الدوله در ذیل نام او در حرف «ع». ارجاعات برساخته برای پاره‌ای از اسامی، نادرست است و بعضی از نام‌ها فاقد ارجاع می‌باشند. از این رو، بازیابی اطلاعات در چند نقطه صورت می‌گیرد. برابر قواعد، اسامی نامرجح به نام‌های مرجح ارجاع می‌گردد و شماره صفحات در جلو آن‌ها نوشته می‌شود. در این کتاب، تعدادی از شماره‌های مکان نما (صفحات) در قسمت ارجاع نامرجح و کامل شده آن در قسمت مرجح و از طرفی، بخشی از اطلاعات ذیل نمایه دیگری آمده، یعنی جمعاً در سه نمایه! مثل صفحه ۱۶۹ «عضدالملک (بنگرید به: میرزا محمدحسین عضدالملک)، ۱۰۳، ۱۲۳، ۱۲۴؛ عضدالملک متولی باشی، ۱۲۴؛ میرزا محمدحسین عضدالملک (متولی باشی)، ۱۰۳، ۱۲۳، ۱۲۴ و ۱۳۰». یا در صفحه ۶۷ آمده: «اعتمادالدوله میرزا آقاخان، ۶۱، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۵» و در صفحه ۱۷۱ نوشته شده: «میرزا آقاخان نوری، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۴ و ۱۲۲». در این جا مناسب بود یک نام را پذیرفته و از بقیه ارجاع ساخته می‌شد، مثلاً اعتمادالدوله، میرزا آقاخان: ۶۱، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵ و ۱۲۲.

میرزا آقاخان نوری ← اعتمادالدوله، میرزا آقاخان نوری، میرزا آقاخان ← اعتمادالدوله، میرزا آقاخان

نمایه اصطلاحات

در این قسمت، القاب اشخاص به عنوان اصطلاح آمده، مثل «اعتضادالسلطنه»، «اعتمادالدوله»، «دبیرالسلطان» و «حکیم باشی». القاب مذکور، یا در قسمت نمایه اشخاص بعضاً به صورت ناقص مثل «دبیرالسلطان» وجود دارند یا در آن جا نیستند، مثل «حکیم باشی». به اسناد کتاب مراجعه شد، در آن جا نامی از شخص برده شده بود و موضوع سند هم



اعطای لقب نبود. از این رو، جای اصلی آن‌ها مثل بقیه نام‌ها در نمایه اشخاص باید باشد.

منابع:

۱. بامداد، مهدی (۱۳۷۱). شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ ق. تهران: زوار.
۲. فراستی، رضا (۱۳۸۰). مهرهای شاهان قاجاریه. فصلنامه تاریخ معاصر ایران، ۱۷.
۳. قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران: انجمن آثار ملی.

پی‌نوشت

۱. فراستی، رضا (۱۳۸۰). مهرهای شاهان قاجاریه. فصلنامه تاریخ معاصر ایران. س ۵، ش ۱۷، بهار ۱۳۸۰. ص ۱۶۳.

